

سازش خرس با اژدها!

وزیر چین از مسکو دیدن می‌کرد روزنامه مردم ارگان حزب کمونیست چین نوشت: «رهبران دو کشور آشکارا ناخشنودی خود را از جهانی که بوسیله یک ابرقدرت اداره و رهبری شود ابراز داشته‌اند.»

هر دو کشور تمایل فراوان دارند تا در مقابل مقاصد آمریکا در یک تهاجم وسیع تجاری به دفاع از منافع منطقه‌ای خود برخیزند که این تمایل آنها را در روی آوردن به یک اتحاد استراتژیک که خصلت ضد غربی دارد ترغیب می‌کند.

۲- منافع مشترک در ثبات منطقه‌ای

کشورهای آسیای میانه که دارای رژیمهای متفاوت، گناه متزلزل و بی‌تجربه هستند در میان مرزهای چین و روسیه قرار گرفته‌اند. هم چین و هم روسیه منافع مشترک در قبال مهار امواج اسلام‌گرایانه و بروز هرج و مرج در این کشورها دارند و به ویژه چین در صدد بهره‌برداری از نفوذ تاریخی و سنتی روسیه در این کشورها است (رهبران کشورهای آسیای میانه اخیراً در مورد نزدیکی به روسیه و اعاده وفاداری خود نسبت به این کشور زیاد سخن گفته‌اند)

مسئله‌کره نیز یک اشتراک نظر بالقوه میان چین و روسیه است که ممکن است در روشهای آینده خود درباره این کشور دو نیم شده سیاستی مشترک اتخاذ کنند. کره شمالی که مدت سی سال است همه‌گونه کمکهای خارجی، هم از چین و هم از روسیه، دریافت کرده قادر نیست سیاستی روشن در قبال کره جنوبی در پیش گیرد و مجبور است به عامل مهم نظرات



کردن تجارت خارجی خود و بهبود بخشیدن به وضع حقوق بشر در آن کشور خشمگین است و از آن بیم دارد که آمریکا در صدد مهار نفوذ فراینده چین در شرق آسیا برآید. در چنین شرایطی چین از روسیه در مقابل همکاریهای ژاپن و آمریکا انتظار حمایت دارد که در عوض روسیه را در مخالفت با گسترش ناتو یاری دهد. بعضی از رهبران چین با اشاره به امضاء قرارداد امنیتی میان کلیتوتون و هاشیموتو نخست‌وزیر

ژاپن در سال گذشته می‌گویند روابط آمریکا و ژاپن رو به استحکام بیشتر است و روسها نیز که سالهای طولانی است اختلافات ارضی با ژاپن دارند تحمل بودن یک ژاپن نیرومند از نظر نظامی را در نزدیکی مرزهای خود ندارند.

در مجموع هم چین و هم روسیه از نظریه رهبری جهان بوسیله آمریکا به شدت نفرت دارند. در دسامبر گذشته که نخست

رابرت فراست شاعر انگلیسی می‌گوید: «همسایگانی که میان خود سیم خاردار می‌کشند همسایگانی خوب برای یکدیگرند.» امروز روسیه و چین با این نظر شاعر موافقت، آنها در حال علامت‌گذاری بیش از چهار هزار و سیصد کیلومتر خطوط مرزی خود هستند. گرچه دو طرف در مورد خطاهای کوچک در این علامت‌گذاری اغماض می‌کنند ولی تندیروها در هر دو سوی مرز می‌گویند حتی از واگذاری یک کیلومتر مربع به اشتباه به دیگری نباید چشم‌پوشی کرد.

علامت‌گذاری در سال جاری به پایان می‌رسد و به هر دو طرف اجازه می‌دهد پس از سالها تشنج در مرزها، از آرایش نیروهای نظامی در دو سوی مرزهای خود بکاهند.

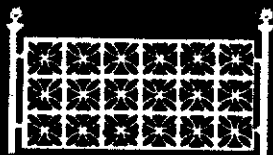
کاهش نیروهای مرزی روسیه و چین یکی از دو سندی بود که جیانگ زمین رئیس جمهوری چین در سفر اخیرش به مسکو امضاء کرد. سند دیگر سندی سیاسی در زمینه سیاست خارجی بود که مفاد آن تا حدودی مبهم می‌نمود ولی به هر حال تنها سندی سیاسی است که در طول تاریخ روابط چین و روسیه به امضاء رسیده است و نشان از نزدیکی بیشتر این دو قدرت جهانی دارد.

بوریس یلتسین در سفر سال گذشته‌اش به پکن و شانگهای با چینی‌ها درباره یک «اشتراک استراتژیک» بسیار سخن گفت و وزیران دفاع دو کشور نیز در یک کنفرانس مطبوعاتی در پانزدهم آوریل سال پیش که در آن وزیر دفاع چین برای نخستین بار در مقابل خبرنگاران روس در چهل سال گذشته ظاهر می‌شد در این باره تلویحاً اظهار نظر کردند. در ماه گذشته که جیانگ زمین به مسکو رفت از او به عنوان یک رهبر بزرگ استقبال شد. اما در عمل، و در ورای مسئله مرزها، اتحاد استراتژیک چین و روسیه که بسیاری از روسها را هیجان‌زده و آمریکائیه را ناخشنود کرده است نمی‌تواند جز یک نزدیکی موقت باشد و در خود و برای طرفین آن چندان منافع اندک در بردارد که ارزش به درازا انجامیدن را ندارد. جاذبه‌های این اشتراک را می‌توان در سه زمینه خلاصه کرد:

۱- رنجش و خشم هر دو نسبت به غرب؛
روسیه از گسترش ناتو به سوی شرق اروپا عصبانی است. چین از فشار آمریکا برای لیبرالیزه

دیوار مشبک

تولیدات سیمانی
بصام



سنگ، سرامیک، موزائیک
یازسازی ساختمان
کنکرتس، رولکس

نشانی: عباس آباد، خیابان ضحی زور وولف، پتال ۱۵۵۱۰۲۴
تلفن: ۵۶۳-۸۷۵-۸۷۲۶۸۹۲-۸۷۵۹۹۲۹

اقتصادی

روسیه و چین در تنظیم سیاستهای خود خواسته‌های آن دو را نیز در نظر داشته باشد و شاید مجبور شود زیر فشار این دو قدرت از پافشاری در رفتار انعطاف‌ناپذیر خود نسبت به کره جنوبی تجدید نظر کند. شاید هم این دو به نیروی خارج از کنترل کره شمالی به عنوان ورق برنده در سیاستهای خود در قبال غرب گهگاه نیاز داشته باشند.

۳- وضعیت مناسب تجارت دو جانبه اسلحه آژانس‌های دولتی در چین معاملاتی چند میلیارد دلاری برای خرید سلاح از روسیه انجام داده‌اند و موفق به انتقال تکنولوژی تسلیحاتی از روسیه به چین شده‌اند.

در این خریدها بیش از همه دریافت کارخانجات هواپیماسازی که چین را در آینده قادر به ساخت جنگنده‌های پیشرفته خواهد کرد حائز اهمیت ویژه است. یک مقام آکادمیک در دولت چین می‌گوید: «روسیه در حال فروش انواع تکنولوژی به چین است که این کشور را در بلندمدت صاحب تسلیحاتی خواهد کرد که تهیه آنها از هیچ‌کجای دیگر امکان‌پذیر نبود.» چنین عاملی چینی‌ها را وادار می‌کند که روسها را از هر نظر راضی و خشنود نگاه دارند و در عین حال به روسها امکان می‌دهد از محل فروش اسلحه به چین اقتصاد ضعیف خود را تا حدودی بهبود بخشند. روسیه تا کنون از تحریم تسلیحاتی چین به وسیله آمریکا که پس از حوادث میدان تیان آنمن برقرار شد سوده‌های سرشار بوده است. ارقامی که در دست است نشان می‌دهد که روسیه در پنج سال گذشته دست کم پنج میلیارد دلار اسلحه به چین فروخته است که دو درصد کل صادرات روسیه را تشکیل می‌دهد.

آژانسهای فروش اسلحه در روسیه می‌گویند چینی‌ها یک سوم از هفت میلیارد دلاری را که برای هزینه‌های تسلیحاتی خود در سال آینده تخصیص داده‌اند از روسیه خرید خواهند کرد که مهمترین قلم آن جنگنده‌های «سوخوی ۲۷» است. چین در سال ۱۹۹۲ تعداد ۲۴ فروند و در ۱۹۹۶، چهل و هشت فروند از این جنگنده‌ها را تحویل گرفته است. در سال گذشته چین تکنولوژی و جواز ساخت جنگنده‌های «سوخوی ۲۷» را از روسیه دریافت کرد که اینک در حال استقرار کارخانجات آن در ایالت «شن یانگ» است. چین درخواست خرید جت‌های تهاجمی «سوخوی ۳۰» را که نسبت به «سوخوی ۲۷» بسیار پیشرفته‌تر هستند از روسیه کرده است.

آینده روابط چین و روسیه

چنانچه همه این شواهد روشن و حتی معاهده

وزیر خارجه روسیه «نظم نوین» در آسیا را یک سری اتحادهای سیاسی و اقتصادی میان روسیه، چین، ایران و هند توصیف می‌کند.

فرماندهان روسی معتقدند با مسلح کردن ارتش چین به سلاح روسی در آینده ارتشی نیرومند در مقابل آنها قرار خواهد گرفت که تهدیدی است بزرگ برای همه منطقه. فرماندهان روس در منطقه ماوراء بایکال شکایت می‌کنند که ارتشیان چین با سلاحهای مسلح هستند که ساخت روسیه است ولی بسیار بهتر از روسها از آن نگهداری شده و به موقع به سرویس و تعمیرات آنها رسیدگی شده است. بعضی از افسران نیروی دریایی در ملاقاتهای خصوصی نارضایتی خود را از فروش دوناوشکن ساخت روسیه به ارزش

هشتصد میلیون دلار به چین مخفی نمی‌کنند و می‌گویند این رزمناوها می‌توانست در ارتش روسیه به خدمت گرفته شود. حتی آقای رودیونوف وزیر دفاع روسیه آشکارا ولی با احتیاط از چین به عنوان یکی از «تهدیدهای بالقوه» علیه روسیه سخن گفته است. او در یادداشتی برای امرای ارتش تأکید کرده است که نزدیکی به چین به سود امنیت روسیه نیست.

پرزیدنت یلتسین و همکاران سیاسی او تاکنون خود را از نظرات ارتشیان کنار نگه داشته و عقاید آنها را حمل بر نوعی انتقاد از خود تلقی کرده‌اند ولی به هر حال گفته‌های وزیر دفاع تقریباً همان چیزی است که رهبران روسیه در خلوت به آن می‌اندیشند.

در زمینه امنیت منطقه‌ای، چین برای شوروی همانقدر یک متحد است که یک رقیب. همزمان با رشد سریع اقتصادی چین، نیاز این کشور به وارد کردن انرژی و مواد غذایی افزایش پیدا می‌کند که به طور طبیعی آن را به سوی کشورهای آسیای میانه که روسیه آنها را منطقه نفوذ خود تلقی می‌کند می‌کشاند. تلاش چین برای نزدیکی به ایران و گسترش نفوذ خود در این کشور نیز از جمله نگرانیهای روسیه است (در سفر اخیر رئیس مجلس ایران به مسکو و ملاقات او با نمایندگان دوما احتمالاً این نگرانی به ایرانهاتقال داده شده است).

در روسیه و با دست کم در میان ارتشیان این کشور، از هم اکنون نشانه‌هایی از عدم رضایت امرای



در نگرش به افقی وسیعتر، رهبران چین مشتاقانه ناظر بر ظهور یک قدرت بزرگ اسلامی در ۲۰ یا ۳۰ سال آینده هستند که در مقابل قدرتهای دیگر- نظیر آمریکا، اروپا، احتمالاً ژاپن و روسیه- قد علم خواهد کرد. چینی‌ها معتقدند حضور این قدرت در صحنه جهانی موازنه نیروها را بنفع آنها و به ضرر آمریکا و اروپا تغییر خواهد داد. در این میان روسیه در صدد است در چنین جهانی که ظهور آن چندان هم دور نیست منافع خود را بیابد و استراتژی آینده خود را بر آن بنا نهد. برای چینی‌ها خوشایند است که این استراتژی در چارچوب یک اتحاد ضد غربی تنظیم

شود ولی اروپا با تمام نیرو تلاش خواهد کرد از چنین اتحادی ممانعت به عمل آورد. با این همه، واکنش روسیه از اروپا بسیار کمتر از ترس از یک چین ابرقدرت است و درست به همین دلیل کینه تیزی روسیه با غرب بنیانی بسیار سست تر و دوامی بسیار کمتر از برخوردهای آتی چین و روسیه در بلند مدت دارد و گمان نمی رود روسیه به خاطر چین اصالت و تبار اروپائی خود را رها کند.

عواملی چند روسیه را دچار این احساس می کند که روابطش با یک چین نیرومند آسیب پذیر است: نخست به رنجش مربوط می شود که چینی ها از گسترش نفوذ روسها در سبیری آسیائی در قرون ۱۷ تا ۱۹ دارند که باعث شد بخش قابل توجهی از امتیازهای چین در این سرزمین از بین برود.

اتحاد چین و روسیه یک بار در زمان استالین و مانو تحقق یافته است که اتحادی بود مصلحتی و انجمنی تلخ داشت. چینی ها در سالهای ۱۹۷۰ به این واقعیت رسیدند که خطر روسیه برای کشورشان کمتر از تهدید آمریکا نیست. در روسیه نیز جانشینان استالین دریافته اند که در مقابل هم مسلک ایدئولوژیک کمونیست خود همواره باید هشیار باشند. روسیه که خود را یک کشور توسعه یافته می داند امروز به چین از دیدگاه کشوری در حال توسعه می نگرد و هرگاه که فرصتی به دست آورد از هجو چین در برابر سیاستمداران آسیای جنوب شرقی کوتاهی نمی کند.

دلیل دیگر شکستندگی روسیه در روابطش با چین نارسائی و ضعفی است که از نظر نیروی انسانی در شرق اورال دارد. در آنسوی مرز و در خاک چین سرزمینی مملو از جمعیت که اکثراً فقیرند قرار دارد، در حالی که در این سوی مرز و در خاک روسیه سرزمینها تقریباً خالی از سکنه ولی سرشار از ثروتهای طبیعی است که چین نیازی حیاتی به آن دارد. در دو دهه آخر قرن اخیر سیصد میلیون نفر، یعنی تقریباً دو برابر جمعیت روسیه، بر جمعیت چین افزوده شده که تمرکز بیشتر جمعیت در مرزهای چین با شوروی از این افزایش در امان نبوده و روسها را از احتمال نفوذ انبوه انسانها به خاک روسیه در نگرانی نگاه داشته است.

نگرانی های روسها در شرق سبیری

روسیه حق دارد نسبت به حاکمیتش در سبیری نگران باشد. در سر تا سر این سرزمینهای پر وسعت که بیش از یک سوم خاک روسیه را تشکیل می دهد، از دریاچه بایکال گرفته تا اقیانوس آرام کمتر از بیست میلیون نفر زندگی می کنند که بسیاری از آنها از نژاد روس نیز نیستند و در سواحل اقیانوس آرام جمعیت از

ده میلیون هم کمتر است. مرزهای این سرزمینهای وسیع به وسیله دویست هزار سرباز روس که اکثراً گرسنه اند و از تجهیزات لازم نیز برخوردار نیستند کنترل می شود، به طوری که می توان به سادگی در مورد قدرت حاکمیت دولت مرکزی بر این سرزمینها دچار تردید شد. نتیجه آنکه اعمال حاکمیت به دست رهبران محلی می افتد که هر چه بخواهند می کنند. آقای نازدرانتکو، یک رهبر محلی حاکمیت مطلق خود را بر ایالت ساحلی پریمورسکی کرای که شهرهای بزرگ ولادی وستک و یاکوتیا را شامل می شود گسترده است و حرفش برای این منطقه پهناور به منزله قانون است. از نظر اقتصادی منطقه سبیری شرقی ارتباط مفید کمی با روسیه اروپائی دارد و روابط اقتصادی بیشتر با چین است که جمعیتی انبوه را در بازار اقتصادی خود دارد.

رهبران محلی برای این ارتباط اهمیت زیادی قائلند و در اندیشه آن نیستند که چین ممکن است مقاصد و ادعای خاصی بر بخش هایی از سرزمین آنها داشته باشد. ادامه این وضع ممکن است در آینده گرفتاریهای بیشتر اقتصادی برای روسیه پیش بیاورد تا مشکلات سیاسی.

دو مشکل دیگر نیز که البته کمتر ملموسند، احساس بدگمانی روسیه در قبال چین را در دهه های آینده دامن می زند؛ یکی احتمالاً برخوردهای ایدئولوژیک است، چنانچه اصلاحات سیاسی در چین روندی کند داشته باشد و خودکامگی رهبران آن تا چند دهه به طول انجامد ولی در روسیه شیوه های دمکراسی جایگزین تمرکزگرایی گذشته شود، روسیه ناگهان متوجه خواهد شد در طول چهار هزار و سیصد کیلومتر مرزهایش با چین با حکومتی طرف است که تمرکزگرا، سرسخت و همچنان یک حزبی است و از طریق دیکتاتوری کمونیستی اداره می شود.

مشکل دوم این است که چین ممکن است به موازات پیشرفتهای اقتصادی و ثروتمندتر شدن در سیاست خارجی خود به ناسیونالیسم چینی بهائی بیشتر بدهد و با سود جستن از آن توجه خود را به جاه طلبی ها و گسترش حضور نظامی خود معطوف سازد. شواهدی چند برای در پیش گرفتن چنین سیاستی در دست است؛ حزب کمونیست به تدریج ارزشهای ایدئولوژیک قدیمی خود را به عنوان تنها قدرت حاکم بر کشور از دست می دهد و بنابراین طبیعی است که در جستجوی ارزش یا ایدئولوژی دیگری به جای آن باشد، ناسیونالیسم چینی به عنوان این جایگزینی تنها روسیه را هدف نمی گیرد بلکه همه کشورهای هم مرز را تهدید می کند. شواهدی در دست است که همسایگان چینی از هم اکنون در مورد

توسعه طلبی ناسیونالیستی چین با سوءظن های عمیق روبرو هستند و آن را مشکلی بزرگ برای آینده خود می دانند. روسیه از بیم آن که روزی چین علیه آن، و یا علیه منافع آن دست به تعرض بزند به دنبال شرکای استراتژیک در جاهای دیگر است. هند، خریدار دیگر بزرگ اسلحه از روسیه هرگز در طول تاریخ خود تهدیدی علیه روسیه به شمار نمی رفته است. از این گذشته بازار پهناور آن همان جاذبه های بازار پرسود چین را دارد، با نزدیکی روسیه و هند در یک سوی جبهه بندیهای موجود و چین و پاکستان در سوی دیگر آن، این ابهام برای جهانیان مطرح می شود که در چه شرایطی برادر بزرگتر برادر کوچکتر را تشویق به استفاده از سلاح هسته ای می کند و در کدام شرایط او را از به کارگیری آن منع می نماید. تا به امروز ترغیب در جهت منع اقدام به چنین ریسکی بوده است، اما در آینده هر چیزی ممکن است اتفاق بیفتد.

یوگنی پیرماکف وزیر امور خارجه روسیه اصطلاح «نظم نوین» را در آسیایک سری اتحادهای سیاسی و اقتصادی میان روسیه، چین، ایران و هند به عنوان بازیگران اصلی و کشورهای آسیای میانه در پشت سر آنها توصیف می کند. غرب به بخشی از این تعریف معترض است و می گوید هند غیر متعهد و ایران سازش ناپذیر ظرفیتهای لازم را بر شرکت در یک اتحاد آسیائی ندارند، ولی روسیه بدون تردید و آهسته آهسته گامهایی در جهت اتحادهای آسیائی بر خواهد داشت که زمره «اشتراک استراتژیک» با چین شاید گونه ای از آن باشد. بدیهی است این به شرطی است که آقای پیرماکف برای مدتی طولانی سکندار سیاست خارجی روسیه باشد و یا دست کم جانشینانش اندیشه های او را پی بگیرند.

غرب تحقق چنین استراتژی را در اتحاد میان دو غول پیشین کمونیست محتمل نمی داند و می گوید گرچه ممکن است روسیه منبعی سودمند برای خریدهای تسلیحاتی چین باشد و هند نیز تمجید از سیاستهای روسیه و نزدیکی به آن ابائی ندارد ولی یک متحد بالقوه روسیه انتظار دارد آن را یک کشور بانبات، متحدی قابل اطمینان، با اقتصاد، حکومت و ارتشی نیرومند و منظم ببیند. روسیه برای رسیدن به چنین استحکامی دست کم پنج سال وقت لازم دارد و در این مدت نه چین و نه هند و نه هیچ کشور دیگری مایل نخواهد بود غرب را به قیمت اتحادی که زمان آن در آینده مشخص نیست به کلی کنار بگذارد.

مأخذ: مجله «کونومیس» ۲۶ آوریل ۱۹۹۷
برگردان از سرویس ترجمه گزارش